

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۱۷ جون ۲۰۲۱

نمایش انتخابات سرد و بی‌رمق

و نگرانی خامنه‌ای و کارنامه سیاه ریاست جمهوری روحانی!

کمتر از دو روز مانده به نمایش انتخابات مهندسی شده در ایران، خامنه‌ای با عجز و التماس خواستار حضور مردم پای صندوق‌های رای شد و گفت که عدم حضور در انتخابات به معنای فاصله گرفتن مردم از نظام اسلامی است. سخنرانی التماسی خامنه‌ای با اعتراف به این‌که اقبال محروم جامعه از نظام روی برگردانده‌اند، گفت: «بعضی از کسانی که، اظهار تردید می‌کنند در امر شرکت در انتخابات، مرددند یا دلسردند، این‌ها قشرهای ضعیف و محروم جامعه هستند که خب این‌ها توقعات به‌جایی دارند و گلایه دارند از این‌که این توقعات برآورده نشده. مسئله معیشت، مسئله مسکن، مسئله اشتغال که خب واقعا بایستی، مسئولان کشور به این مسائل برسند و بایستی می‌رسیدند. این‌ها گلایه‌مندند، لذا دست و دل‌شان به انتخابات نمی‌رود و می‌گویند حالا خب مثلاً شرکت کردیم، چه فایده؟»

شیخ حسن روحانی هشت سال پیش با کلید وارد کارزار انتخاباتی شد اما این کلید او آن‌قدر مصنوعی و زنگزده بود که نه تنها هیچ قفلی را باز نکرد، بلکه کارنامه سیاهی نیز از او باقی گذاشت.

در حالی دوران ریاست جمهوری شیخ حسن روحانی به پایان خود نزدیک می‌شود که اکثریت مردم ایران با «نه» گفتن به انتخابات ریاست جمهوری در واقع «نه» بزرگی به جمهوری اسلامی گفته و به همین دلیل تبلیغات ریاست‌جمهوری امسال بسیار کم‌رمق و سرد است.



با این مقدمه به بحث خود درباره کارنامه شیخ حسن روحانی ادامه می‌دهیم.

از منظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، کارکرد یک انتخابات افزایش مشارکت شهروندان در قدرت، تعیین سیاست‌های کلان کشور، افزایش حقانیت و همچنین کارآمدی مدیریت عمومی سالم است. اما شهروندان ایرانی به شکل آزادانه و سازمان‌یافته در چارچوب سازمان‌های مردمی جامعه مدنی و سازمانی در این نمایش انتخابات شرکت ندارند. این انتخابات نه شامل همه گرایش‌های سیاسی جامعه و بازتاب کامل افکار عمومی متشکل و سازمان‌یافته است، نه ذره‌ای رقابتی و شفافیتی و عدالتی در آن وجود دارد.

نخست همه نامزدها از سوی شورای نگهبان و تایید بیت رهبری جمهوری اسلامی انتخاب می‌شوند و سپس به مردم می‌گویند بیایی به یکی از نامزدهای منتخب آن‌ها را بدهید. به علاوه هیچ سازمان مردمی بی‌طرف و نهاد بین‌المللی بر این انتخابات شمار آرای آن نیز نظارت ندارند. بنابراین هرم حاکمیت می‌برد و می‌دوزد بدون این که اهمیتی به حق و حقوق مردم داده شود.

همزمان گرانی و تورم روزافزون اکثریت خانواده‌های ایرانی زمین‌گیر و نگران‌تر کرده است. ایلنا گزارشی از افزایش ۳۲ درصدی هزینه‌های زندگی در کشور طی دو ماه گذشته خبر داد و اعلام کرد سبد معیشت که شامل حداقل‌های یک زندگی است، به ۹ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان رسیده است.

در همین رابطه فرامرز توفیقی، رییس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار حکومت به ایلنا گفته است: «با همه‌تقلیل‌گرایی‌ها، سبد معیشت حداقلی، حدود ۹ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان شده است یعنی در دو ماه و چند روز، یک رشد ۳۲.۱۵ درصدی در هزینه‌های زندگی! اگر دستمزد کارگران در فروردین ماه، قادر به پوشش بخشی از هزینه‌های زندگی بود با رشد بیش از ۳۲ درصدی هزینه‌های زندگی، سطح پوشش دستمزد به همین میزان عقب افتاده است. همین الان در میانه خردادماه، حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان هزینه‌های زندگی کارگران افزایش یافته است.»

این ارقام در حالی از زبان عوامل حکومتی جاری می‌شود که بازنشستگان و تشکل‌های کارگری مستقل و اقتصاددانان خط فقر در ایران را حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون تومان اعلام کرده‌اند.

بنابراین شرایط اقتصادی امروز ایران به قدری فاجعه‌بار است که خیلی از مردم هیچ امیدی به بهبود اوضاع در حاکمیت جمهوری اسلامی ندارند.

از سوی دیگر روزنامه همشهری در گزارشی از وجود بازار غیررسمی فروش و تزریق واکسن کرونای آمریکایی فایزر در تهران به قیمت ۲۵ تا ۶۰ میلیون تومان خبر داده است. روز سه‌شنبه، ۲۵ خردادماه در روزنامه همشهری منتشر شد، واکسن‌های کرونای آمریکایی فایزر به‌صورت قاچاق وارد ایران و در دفاترهای اداری و مطب‌هایی مجهز به یخچال‌های پیشرفته برای نگهداری واکسن در چند نقطه از شهر تهران و تعدادی باشگاه‌های ورزشی لوکس، به متقاضیان تزریق می‌شود.

همین شیوه انتقال و نگهداری این واکسن و تزریق آن نمی‌تواند از دید ماموران جمهوری اسلامی پنهان بماند به همین دلیل می‌توان حدس زد که سرخ این حرکت مافیایی به سران و مقامات بلندپایه به ویژه سپاه پاسداران می‌رسد که از این طریق نیز کسب سود می‌کنند.

در چنین شرایطی تصور عموم شهروندان ایرانی این است که تفاوتی ندارد چه کسی رییس‌جمهور شود، زیرا اوضاع مملکت همیشه بر همین منوال بوده است. اکثر مردم ایران از وضعیت موجود در کشورشان احساس نارضایتی عمیق می‌کنند، و به فکر عبور از جمهوری اسلامی و آینده‌بهتر هستند.

بسیاری بر این عقیده‌اند که آرزوی‌شان این است که ایران به یک کشور عادی تبدیل شود تا مدام تحت‌الشعاع اعدام، بازداشت، تروریسم، تحریم و جنگ نباشد. آن‌ها امیدوارند اوضاع به‌گونه‌ای بهبود یابد که خودشان مستقیماً جامعه‌شان را مدیریت کنند و به هیچ فرد و جریانی اجازه ندهند از بالای سر آن‌ها امر و نهی کند.

شاخص فلاکت در دوره ریاست جمهوری روحانی از ۲۵ درصد به ۴۵ درصد رسید!

محمدهادی سبحانیان کارشناس اقتصادی و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی با انتشار توثیقی در صفحه شخصی خود اعلام کرد: شاخص فلاکت طی سال‌های ۹۳ تا ۹۸ از ۲۵ درصد به ۴۵ درصد افزایش یافته و این شاخص همچنان رو به افزایش است.

شاخص فلاکت (Misery index) یک نشانگر اقتصادی است که از افزودن نرخ بی‌کاری به نرخ تورم به دست می‌آید. آمارهای ارائه شده توسط محمدهادی سبحانیان بر اساس ارقام نرخ بیکاری و نرخ تورم اعلام شده توسط مرکز آمار ایران است.

پیش‌تر نیز برخی تحلیل‌گران اقتصادی با استناد به داده‌های صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده بودند که شاخص فلاکت در دولت حسن روحانی رکورد ۲۵ سال گذشته را شکسته است.

آمارهای مرتبط با افزایش حجم نقدینگی در دولت روحانی نیز نشان می‌دهد که دولت روحانی ۷ برابر اعتبار «مسکن مهر» پول چاپ کرده است.

رقم چاپ پول در دولت روحانی به ۳۶۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. بر اساس محاسبات مبتنی بر آمارهای بانک مرکزی، در پایان فروردین امسال حجم پایه پولی در کشور به ۴۶۱ هزار میلیارد تومان رسید که نسبت به پایان دولت دهم (۹۶ هزار میلیارد تومان) ۳۶۵ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است. بر این اساس مقداری که دولت روحانی پول چاپ کرده بیش از ۷ برابر ۵۰ هزار میلیارد تومانی است که دولت قبل برای ساختن «مسکن مهر» پول چاپ کرد. این در حالی‌ست که حسن روحانی در ابتدای دولت یازدهم مدعی بود که ۵۰ هزار میلیارد تومان پولی که دولت دهم برای ساختن «مسکن مهر» چاپ کرده عامل اصلی تورم است! اما اکنون در برابر آثار تورمی ۳۶۵ هزار میلیارد تومانی که دولت او پول چاپ کرده و محل هزینه‌شدن آن‌ها هیچ توضیحی نمی‌دهد.

در واقع اقدامات دولت روحانی در حوزه بازار مسکن نیز فاجعه‌بار بوده و به گفته فعالان حوزه مسکن تصمیم‌هایی که در هیات دولت گرفته شده نه تنها راهگشا نبوده، بلکه بر مشکلات افزوده است. برای نمونه مصطفی قلی خسروی رییس اتحادیه مشاوران املاک گفته است: «در دولت یازدهم و دوازدهم، اقدام قابل توجهی برای بخش مسکن انجام نشد و از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ تورم بیش از ۵۵۰ درصد را در بازار مسکن شهر تهران به وجود آوردند.»

به گفته خسروی از جمله کارهایی که منجر به تضعیف بازار مسکن شد «تصمیم معاون اول رییس‌جمهور مبنی بر کاهش نرخ حق‌الزحمه مشاوران املاک بود. این کار انگیزه فعالیت را از این صنف گرفت. مشاوران املاک به عنوان دلالت‌کننده نقش مهمی در کاهش قیمت مسکن دارند و هر نوع فشار به این صنف اثراتش را به شکل رشد قیمت مسکن نشان می‌دهد.»

مصطفی قلی خسروی افزوده که «متأسفانه آدرس اشتباه در خصوص مقصر گرانی بازار مسکن دادند. دولت ابتدا ادامه طرح مسکن مهر را متوقف و مسکن اجتماعی را مطرح کرد اما هیچ اقدامی در این زمینه انجام نشد. مسکن ملی هم دیر به اجرا رسید. اما علت اصلی گرانی‌ها در بازار مسکن به تلاطمات اقتصاد کلان و افزایش نرخ ارز مربوط می‌شود، بعد دلار ۴۲۰۰ تومانی را ایجاد کردند که به تولید رانت منجر شد.»

از سوی دیگر نگاهی به کارنامه عبدالناصر همتی رییس بانک مرکزی روحانی که اکنون نامزد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ۱۴۰۰ هم است، نشان از عملکرد منفی او دارد. به گزارش وبسایت «نود اقتصادی» بررسی ارقام روزانه نرخ ارز در سال ۹۹ طبق گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که قیمت دلار در آخرین روز ۹۸، ۱۴ هزار و ۹۰۰ تومان به ثبت رسیده و در انتهای بهمن سال ۹۹ به رقم ۲۵ هزار و ۱۰۰ تومان رسیده که نشان از تضعیف ۷۰ درصدی ارزش پول ملی در ۱۱ ماه اول سال ۹۹ را دارد.

این در حالیست که نرخ دلار در سال ۹۹ رکوردی تازه به جا گذاشت و در روز ۲۴ مهرماه پارسال به ۳۱ هزار و ۸۰۰ تومان رسید که نشان‌دهنده کاهش ۱۱۴ درصدی ارزش پول ملی در آن زمان است. بنابراین همتی که اکنون نامزد ریاست جمهوری است، بدترین عملکرد را در مدیریت بازار ارز از خود به ارث گذاشته است.

رشد و گسترش گرانی و تورم نیز در دوره روحانی بی‌سابقه بوده است. آمارها نشان می‌دهد که سال ۱۳۹۹ بر سه دهک کم‌درآمد جامعه بیشترین فشار گرانی مواد خوراکی وارد شد، به‌طوری که نرخ تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی از حدود ۱۰ درصد در ابتدای سال به بیش از ۶۶ درصد در پایان سال افزایش یافت. این افزایش فشار تورمی به اقشار کم‌درآمد در حالیست که حسن روحانی مدعی بود تا پایان دولتش فقر مطلق را حذف خواهد کرد اما تا کنون، دولت او تنها نتوانسته فقر مطلق را حذف کند بلکه مواد غذایی را از سفره این اقشار حذف کرده است. افزایش تورم و رکود در هشت سال دولت روحانی سبب تعطیلی و نیمه‌تعطیل شدن بسیاری از واحدهای تولید، صنعتی و خدماتی شد. بر اساس آمارهای سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران تا پایان سال ۱۳۹۹ از مجموع واحدهای صنعتی افتتاح شده در این شهرک‌ها، تعداد ۸ هزار و ۵۲۱ واحد صنعتی پس از بهره‌برداری غیرفعال و تعطیل شده‌اند.

این آمارها نشان می‌دهد از مجموع ۸ هزار و ۵۲۱ واحد صنعتی تعطیل شده در شهرک‌های صنعتی ایران، زمان تعطیلی ۴۳ واحد صنعتی مشخص نیست، ۹۴ واحد صنعتی تا قبل از سال ۱۳۸۰ تعطیل شده، از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ تعداد ۴۰۰ شرکت، بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تعداد ۲ هزار و ۵۷۴ واحد صنعتی و طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ نیز ۵ هزار و ۴۱۰ واحد صنعتی جدید به لیست تعطیل‌شدگان اضافه شده است.

سرکوب و سانسور در دوره دولت حسن روحانی افزایش چشمگیری یافت و قربانیان زیادی از مردم ایران گرفت. شماری از خانواده‌های کشته‌شدگان چهار دهه گذشته در ایران، از جمله اعدام‌های دهه ۱۳۶۰، آبان‌ماه ۱۳۹۸ و شلیک به هواپیمای مسافری اوکراین، مخالفت خود را با شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ اعلام کردند.

بازماندگان و اعضای خانواده کشته‌شدگان، شب گذشته در اتاقی با نام «دادخواهی و نمایش انتخابات، کمپین رای بی‌رای» در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس خواسته‌های خود را مطرح و تاکید کردند که تحریم نه فقط رای ندادن در انتخابات، بلکه «نه گفتن به جمهوری اسلامی» است.

برادر نوید افکاری کشتی‌گیر ۲۷ ساله اعدام شده، جواد سلیمانی همسر الناز نبیئی مسافر کشته شده هواپیمای اوکراین در ۳۰ سالگی، فرزانه انصاری خواهر فرزند انصاری کارگر ۲۷ ساله جان‌باخته در آبان‌ماه، لاله بازرگان خواهر بیژن بازرگان اعدام شده در شهریور ۱۳۶۷ در سن ۲۹ سالگی و محبوبه رمضانی مادر پژمان قلی‌پور جوان ۱۸ ساله کشته شده در آبان ۱۳۹۸ از جمله افرادی بودند که در این اتاق صحبت کردند.

سعید افکاری که برادرش نوید اعدام شده و دو برادر دیگرش صدها روز است در انفرادی هستند، گفت رای ندادن از نظر او «نه گفتن به ظلم و جنایت و دزدی و ظلم به زنان است.» اما وی این استراتژی را آغاز راه دانست و گفت «قرار نیست با رای ندادن غاصبان ایران آن را به صاحب‌شان اصلی‌اش تحویل بدهند؛ بلکه رای ندادن بخشی

از مسیری است که باید طی شود.» به قول نوید «سکوت شما یعنی حمایت از ظلم و گام به گام نزدیک شدن به چوبه اعدام.»



مادر جواد بابایی، وحید دامور، رضا معظمی، محمد طاهری، مهرزاد رضایی، نوید بهبودی و پژمان قلی‌پور که در آبان ۹۸ کشته شدند

همزمان با این نشست در اتاق دیگری علی لاریجانی، از داوطلبان نامزدی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ سخن می‌گفت. بعضی از سخنرانان به نشست‌های انتخاباتی اشاره می‌کردند و معترض بودند که چرا شمار زیادی بدون نقد عملکرد حکومت ایران در مواجهه با خانواده قربانیان در این نشست‌ها شرکت می‌کنند.

در جلسه سه ساعته، دادخواهی مهم‌ترین محور سخنان خانواده‌ها بود. هیچ‌کدام از خانواده‌ها که شکایت کرده‌اند، نتوانسته‌اند قاتل فرزندشان را شناسایی کنند. بسیاری مجبور به دفن شبانه شده‌اند. و شماری مجبور شده‌اند پیکر عزیزانشان را در شهری دیگر دفن کنند.

بعضی از خانواده‌ها از سخنان چند هفته پیش مصطفی تاجزاده، داوطلب دیگر نامزدی انتخابات درباره «گذر» خانواده‌های آبان ۱۳۹۸ از حقوق خود، انتقاد داشتند و آن را به شدت رد می‌کردند. تاجزاده گفته بود که اعتقاد دارد «اگر مردم احساس کنند حکومت صدای آن‌ها را شنیده است، حاضرند از حقوق خود بگذرند، هرچند هرگز فراموش نخواهند کرد.»

نهایت تاجزاده رد صلاحیت شد.

لادن بازرگان، خواهر بیژن بازرگان که با حکم ده ساله زندان در شهریور ۱۳۶۷ اعدام شده، گفت در این سال‌ها هرگز از دادخواهی نگذشته است. او توضیح داد که هیچ‌گاه جسد برادرش را تحویل نگرفته‌اند و هنوز نمی‌دانند مدفن او کجاست. خانم بازرگان می‌گوید باید عاملان آن «جنایت» مجازات شوند.

جواد سلیمانی هم که همسرش الناز نبیئی را در حادثه شلیک دو موشک سپاه به هواپیمای مسافری از دست داده، گفت از نظر او کل ساختار حکومت یکپارچه است و نمی‌توان بخش‌های نظامی و اجرایی را از هم تفکیک کرد: «نقش دولت در جلوگیری از برقراری عدالت شاید از سپاه هم پررنگ‌تر بوده است. و اساسا به نظرم بخش‌های مختلف حکومت جدایی‌ناپذیر هستند.»

فرزانه انصاری، خواهر فرزند که برادرش را در آبان‌ماه ۱۳۹۸ از دست داده می‌گوید به خاطر دادخواهی برادرش بارها به اداره اطلاعات بهبهان در استان خوزستان احضار و تهدید به سکوت شده است. خانم انصاری مدتی در بازداشت بود و حالا «پرونده باز قضایی» دارد.

او این پرسش را مطرح کرد که وقتی حق این را ندارد که درباره مرگ برادرش سوال و دادخواهی کند، چطور رای بدهد: «می‌گویند برای امنیت و آرامش و رهایی از شر دشمن به پای صندوق رای بروید. کدام آرامش و کدام امنیت؟ جواب اعتراض ما به فقر گلوله بود. در کشوری که ما حق انتخاب نداریم، حق رای دادن هم نداریم. وقتی نمی‌توانیم حتی دادخواه خون عزیزانمان باشیم چرا پای صندوق‌های رای آن‌ها برویم؟»

خانم انصاری درباره اتهاماتی که به گفته او به خاطر دادخواهی «خون» برادرش به او زده شده، توضیح داد: «من دادخواه خون برادرم هستم ولی به من اتهام زدند که علیه نظام تبلیغ می‌کنید و به رهبر توهین می‌کنید و با رسانه‌های بیگانه مصاحبه می‌کنید. بارها من را به اداره اطلاعات برده‌اند و گفته‌اند سکوت کن. فقط پرسیده‌ام قاتل برادرم چه کسی است و چرا او را کشته‌اید. شما به ما صدا بدهید و رسانه‌های داخل حرفمان را بزنند ما نمی‌رویم با رسانه‌های بیگانه حرف بزنیم.»

مادر یکی از جان‌باختگان آبان ۱۳۹۸ که نامش را اعلام نکرد، با اعتراض از این‌که کشته‌شدن جوانان در حوادث آبان را «حجامت» خوانده‌اند، گفت: «کشته‌شدگان آبان مردم عادی بودند؛ مثل من مثل پسر که با هم بیرون رفتیم اما متأسفانه این‌ها به بچه‌های ما نام اختلال‌گر و اغتشاش‌گر دادند که خشم ما را دو چندان می‌کرد. ما یک زندگی ساده داشتیم و فریاد ما هم اعتراض علیه ظلم ۴۰ ساله بود. اما عده‌ای سوءاستفاده‌گر اسم این کار را حجامت نظام گذاشتند.»

او که یک بار از شدت تأثر سخنانش قطع شد گفت به عنوان یک شهروند از هیچ حقوقی بهره ندارد. محمود صادقی، نماینده سابق تهران در مجلس گفته بود برخی مسئولان نظام «ریخته شدن خون جوانان» معترض را «حجامت نظام» تلقی می‌کنند. به این معنی که از نظر آنان افراد کشته شده «ناپاک یا مضر» بوده‌اند. مسعود ابراهیم، پدر نیلوفر ابراهیم هم که دختر و دامادش در هواپیمای اوکراینی کشته شدند، گفت «استراتژی رای بی‌رای کافی نیست و باید کار جدی‌تری برای تغییر رژیم کرد.»

محبوبه رمضانی، مادر پژمان قلی‌پور هم در این اتاق جزئیاتی از کشته‌شدن پسر ۱۸ ساله خود در آبان ۹۸ مطرح کرد که بسیار فضای اتاق را تحت تأثیر خود قرار داد.

خانم رمضانی گفت: «شما فکر می‌کنید یک نفر را کشتید. نه یک خانواده را کشتید. یک خانواده را نابود کردید. ما دل‌مان پر از درد و خشم است. من ۱۸ ماه است می‌گویم قاتل بچه من را نشان بدهید. قلب بچه من سوراخ شده بود. عروسی ما را عزا کردند. من چطوری می‌توانم آرام باشم؟ صدایمان باشید.»

پژمان قلی‌پور در آبان ۹۸، شش روز پیش از جشن عروسی برادر بزرگش، در مارلیک کرج با شلیک پنج گلوله توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و با دستور مستقیم وزیر کشور دولت روحانی کشته شد. تصویر مادرش در حالی که عکس او را بغل کرده بود و فریاد می‌زد، بارها در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

مادرش با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری پیش رو در ایران گفت: «آقایان در این ۱۸ ماه کجا بودند، از چه چیز بچه‌های آبان می‌ترسید. من دادخواه حق هستم، جوان ۱۸ ساله من را کشتید، چرا خشمگین نباشم. صدایمان به هیچ جا نمی‌رسد.»

وی با اشاره به سایر مادران داغدار که دادخواه خون فرزندان‌شان هستند گفت که مادر مصطفی کریم بیگی، از کشته‌شدگان اعتراضات ۱۳۸۸ با قاب عکس پسرش مصطفی به دیدنش آمده و گفت مصطفی را ده سال پیش کشتند. خانم رمضانی می‌گوید: «من نمی‌خواهم چند سال دیگر با قاب عکس پژمان به خانه مادر دیگری بروم و بگویم پژمان را چند سال پیش کشتند.»

در گزارش عفو بین‌الملل از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ به کشته شدن دست‌کم ۲۳ کودک اشاره شده است. در ۱۳ آذر ۹۸، یعنی دو هفته پس از سرکوب خون‌بار اعتراضات آبان که در آن صدها تن در کمتر از پنج روز در سراسر ایران جان باختند، علی خامنه‌ای با پیشنهاد شورای عالی امنیت ملی سیاستی را تصویب کرد که در کوتاه‌مدت توسط کمیته‌هایی که به دستور روحانی توسط استانداران در سراسر کشور تشکیل شد، اجرایی شود. براساس این مصوبه، جان‌باختگان به سه دسته طبقه‌بندی شدند: اول، کسانی که به‌عنوان «شهروندان عادی» توصیف شدند، یعنی نقشی در اعتراضات نداشتند و به طور اتفاقی گلوله به آن‌ها اصابت کرده؛ دوم، کسانی که به هر نحوی جان خود را در جریان تظاهرات از دست داده‌اند (معترضان عادی)؛ و سوم، کسانی که در درگیری مسلحانه با نیروهای حکومتی کشته شده‌اند.

دسته اول، در حکم «شهید» محسوب می‌شوند و خانواده‌هایشان تحت پوشش بنیاد شهید قرار خواهند گرفت. به خانواده‌های دسته دوم دیه داده می‌شود و از آن‌ها دلجویی می‌شود. و خانواده‌های دسته سوم، از آنجایی که از نظر این مصوبه جرم مرتکب شده‌اند، از هیچ نوع امتیاز مادی یا معنوی برخوردار نمی‌شوند و ... شش ماه پس از سرکوب خون‌بار اعتراضات آبان، تحقیقات سازمان‌های حقوق بشری از جمله عفو بین‌الملل ثابت کرده است که استفاده از سلاح‌های مرگبار علیه معترضان، نقض نظام‌مند و گسترده حق حیات است و می‌تواند به عنوان یک جرم بین‌المللی محسوب شود.

از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی تاکنون، موارد زیادی از کشتار معترضان در خیابان‌ها به دست نیروهای انتظامی و امنیتی روی داده است.

معترضان آبان‌ماه ۹۸ به خیابان آمدند به دلیل این‌که دیگر ادامه این وضعیت برایشان ممکن نبود. به خیابان آمدند به خاطر اعتراض به گرانی، فقر، گرسنگی، بیکاری و بی‌مسکنی، و به خاطر لگدمال شدن هر روزه حرمت انسانی‌شان. به روی آن‌ها اسلحه کشیدند. بسیاری از عزیزان ما را کشتند. خواست فوری مادران داغ‌دیده معرفی و پیگرد آمرین و عاملان این جنایت است. به علاوه در آبان‌ماه ۹۸ هزاران نفر از جوانان و مردم معترض بازداشت و زندانی شدند. هنوز شمار بسیاری از آنان در زندانند. بعضا احکام سنگین و حتی اعدام گرفته‌اند. مردم آزاده خواستار آزادی فوری آنان و لغو احکام صادر شده برای این عزیزان هستند.

سخن‌گوی کمیسیون امنیت ملی مجلس از دستگیری ۷ هزار نفر در این خیزش مردمی خبر داد. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور ایران دولت شیخ روحانی گفته ۷۰۰ هزار نفر در اعتراضات شرکت داشته‌اند.

شیخ حسن روحانی از همان روزهای نخست قدرت‌گیری جمهوری اسلامی جزو عناصر نظامی‌امنیتی بود و اکنون به عنوان رئیس جمهوری اسلامی دروغ‌گویی، پنهان‌کاری و فساد دولتی را به اوج رسانده است.

شیخ حسن روحانی از همان روزهای نخست انقلاب ۱۳۵۷ در سرکوب دستاوردهای آن انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی نقش مستقیم داشت. او از سال ۱۳۵۷ تاکنون به طور معمول از سرکوب معترضان و مخالفان حکومت حمایت کرده است. او در اقدامی دیگر، مصطفی پورمحمدی، یکی از اعضای هیات مجری فرمان اعدام هزاران نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در تابستان ۱۳۶۷ را به عنوان وزیر دادگستری کابینه خود انتخاب کرد و گفت که از حضور او در کابینه‌اش خوشحال است.

در یک نمونه دیگر، ستایش حسن روحانی از اقدامات خودش در زمینه «طرح اجباری شدن حجاب در ادارات مربوط به ارتش» است. او در کتاب خاطراتش تاکید می‌کند که پس از اجرای موفق این طرح در ستاد ارتش، به اجرای طرح در نیروهای سه‌گانه تحت نظر ارتش می‌پردازد: «به پادگان دوشان تپه رفتم و همه کارمندان زن را که

تعداد آنها هم زیاد بود در سالنی جمع و درباره حجاب صحبت کردم. در آنجا زن‌ها خیلی سر و صدا راه انداختند، اما من قاطعانه گفتم: این دستور است و سرپیچی از آن جایز نیست... به دژبان دستور داده‌ایم از فردا هیچ زن بی‌حجابی را به پایگاه راه ندهند.»

یک نمونه معمولاً جنجال برانگیز دیگر در کتاب خاطرات حسن روحانی، موضوع خواب‌های ویژه است: «در مدرسه استادام گفت‌خواب دیدم در یک جمعی هستیم و یک وسیله پرنده‌ای مثل هواپیما آمد و در حیاط همین مدرسه نشست... حضرت اباعبدالله الحسین هم از آن وسیله پیاده شد... نان و حلوا به فلانی (حسن روحانی) داد و گفت بخور... بعد آقای نحوی (استاد روحانی) گفت من مطمئن هستم که ایشان آینده درخشانی خواهد داشت، یا مرجع تقلید می‌شود و یا به یک مقام سیاسی اجتماعی بالایی می‌رسد... نکته‌ای که آن وقت به ذهنم آمد، این بود که چون من تقریباً از ده سالگی تا آن زمان بر خواندن زیارت عاشورا مداومت داشتم، این خواب پاسخی به آن زیارت‌های عاشورا بوده است.»

روحانی در خاطره دیگری نوشته است که خودش در دوران دبستان در عالم بیداری، در حال وضو گرفتن شیئی نورانی مکعب مستطیلی را دیده که «افرادی هم داخل این هودج نورانی نشسته» بودند و به سمت مشهد حرکت می‌کرده است.

چنین نمونه‌هایی در زندگی فردی که نخستین بار آیت‌الله خمینی را امام خمینی خطاب کرده و در جلسات هیات دولت مداحی کرده، زیاد است و به طور معمول دستمایه استهزا، جوک ساختن و افشاگری مخالفان آنها می‌شوند و... نکته مهم دیگر اما به رفتار و گفتار حسن روحانی بر می‌گردد. او همواره به جامعه دروغ می‌گوید. برای مثال روحانین در اردیبهشت سال ۱۳۹۶ ادعا کرده بود: «اساس برنامه اقتصادی من بر ۲ محور «تولید ثروت ملی» و «توزیع عادلانه ثروت» استوار است.» این شعاری بود که روحانی در تلویزیون و چشم در چشم مردم سر داد اما دروغ‌گویی او زمانی برای مردم عیان‌تر شد که با افشای فیش‌های نجومی مدیران دولتی، روحانی اعلام کرد مساله حقوق‌های نجومی را به یک مسئله ملی تبدیل نکنید! آماری که در روزهای اول از سوی کواکبیان، نماینده طرفدار روحانی «حدود ۳ هزار فیش بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون تومانی» و «۳۰۰ فیش بالای ۵۰ میلیون تومانی» اعلام شد. پس از آن توسط دولتی‌ها این آمار به ۹۰۰، ۵۰۰، ۳۰۰، ۵۰ و در نهایت ۱۳ نفر (!) تقلیل داده شد اما در گزارشی که دیوان محاسبات از نجومی‌بگیران منتشر کرد و تنها مربوط به ارقام بالای ۲۰ میلیون بود، نام ۳۹۷ نفر وجود داشت.

روحانی ریاکارانه در هفته قوه قضاییه به مردم قول داد با حقوق‌های نجومی و نجومی‌بگیران برخورد کند اما چند ماه بعد سخن‌گوی قوه قضاییه اعلام کرد از سوی دولت تاکنون هیچ فردی معرفی نشده است.

رکود یکی از دغدغه‌های اصلی بیان شده از سوی حسن روحانی در کوران انتخابات سال ۱۳۹۲ بود. روحانی ادعا کرده بود «اساس سیاست من بالا بردن ثروت ملی و رونق تولید و اشتغال و بهبود فضای کسب‌وکار و توزیع عادلانه ثروت است.» اما او در وضعیتی که هنوز تغییری در اقتصاد ایران رخ نداده بود، اعلام کرد «از رکود عبور کردیم». او سال ۹۴ و ۹۵ نیز این مسئله را که «در ایران مشکلی به نام رکود نداریم» تکرار کرد اما نامه ۴ وزیر اقتصادی دولت یازدهم، سند دروغ روحانی را بر ملا کرد. ۴ وزیر نوشتند نه تنها در ایران رکود اقتصادی حاکم است بلکه در مرز بحران اقتصادی هستیم! این مسئله البته برای مردم باورپذیرتر بود، چرا که تعطیلی کارخانه‌های بزرگ صنعتی و تعطیلی ۶۰ درصد اقتصاد ایران تا آن سال‌ها موید این مسئله بود و الان بدتر و خیم‌تر هم شده است.

در جریان مناظره‌های انتخاباتی یکی از بدترین دروغ‌های انتخاباتی ادوار انتخابات در ایران مطرح شد: «می‌خواستند بین زنان و مردان دیوارکشی کنند!» این جمله روحانی که خودش از بدو انقلاب ۵۷ در بالاترین سطوح مدیریتی کشور حضور دارد تعجب افکار عمومی را هم برانگیخت. نکته جالب ماجرا این است که ماجرای دروغین دیوارکشی جنسی در جامعه قبل از این در انتخابات سال ۱۳۸۴ هم مطرح شده بود. حتی روحانی کار را جلوتر برد و ادعا کرد رقبایش در اعدام دست دارند، هرچند این دروغ هم به راحتی برملا می‌شود، چون حداقل جملات صریحی از روحانی که حدوداً برای ۳۰ سال پیش است وجود دارد که از اعدام مخالفان در ملاعام دفاع می‌کند. او زمانی که نماینده مجلس بود، گفته بود: «توطئه‌گرها را هنگام نماز جمعه در حضور مردم به دار آویزان کنند تا تاثیر بیش‌تری داشته باشد.»

اکنون وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی اقرار کرده است که ۳ میلیون دانش‌آموز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ از تحصیل بازمانده‌اند. به گفته او سکونت دانش‌آموزان در مناطق محروم و فاقد اینترنت و همچنین عدم دسترسی به ابزار آموزشی از دلایل عمده بازماندن از تحصیل دانش‌آموزان بوده است. به علاوه مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی عنوان کرد که این استان با سهم ۴۰ هزار نفری از این مقدار، بیش‌ترین میزان ترک تحصیل دانش‌آموزان در کشور را به خود اختصاص داده است.

حسن روحانی بار دیگر و برای چندمین بار ادعا کرد که توافق انجام شده است و فقط برخی اختلافات جزئی در وین در حال مذاکره است. او در این خصوص ادعا کرد: «طبق مذاکرات انجام شده در وین غربی‌ها همه تحریم‌ها را بر خواهند داشت اعم از تحریم نفت و پتروشیمی و کشتی‌رانی و بانک‌ها، این‌ها را قبول کرده‌اند و تمام شده است گام بزرگ برداشته و توافق اصلی انجام شده است و فقط موارد جزئی مانده است تا به توافق نهایی برسیم.» در حالی که عراقچی از «موضوعات کلیدی حل نشده» سخن گفت.

آمریکا تاکنون نشان داده که قصد لغو یک‌جای تحریم‌ها را ندارد و قصد دارد در مدت زمانی طولانی و طی مراحل متعدد اقدام به رفع موقت برخی تحریم‌ها کند.

احتمالاً قصد آمریکا از عدم لغو کامل تحریم‌ها و اکتفاء به رفع موقت برخی از تحریم‌ها صرفاً بازگشت به برجام است تا بتواند از امکان مکانیسم ماشه علیه ایران استفاده کند.

طبق گزارش شبکه پرس تی وی، آمریکا قصد لغو کامل هیچ‌یک از تحریم‌های نفتی، بانکی، مالی و انرژی را ندارد و دستورالعمل آمریکا صرفاً توقف موقت این تحریم‌ها است.

نشست کمیسیون مشترک برجام روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ با حضور هیات‌های ایران و ۱+۴ (آلمان، فرانسه، چین، روسیه و انگلیس) و «انریکه مورا» نماینده اتحادیه اروپا در گرند هتل شهر وین برگزار شد و پس از حدود یک ساعت پایان یافت.

حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی رئیس‌جمهور صبح روز چهارشنبه ۱۸ فرودین در جلسه هیات دولت ادعا کرده بود: «یکی از افتخارات دولت دوازدهم این است که طوری کشور را مدیریت کرد که حتی دشمنان ما اعتراف دارند فشار حداکثری شکست خورده است. ما در دولت به گونه‌ای مقاومت کردیم که هیچ تردیدی در شکست دشمن وجود ندارد.»

نهایتاً یک منبع حکومتی نوشت: با توجه به شروط غیرقابل قبول طرف آمریکایی، مذاکرات وین به بن‌بست رسیده و توافقی در کار نیست. شنیده‌ها حاکی از این مطلب مهم است که مذاکرات وین به علت زیاده‌خواهی‌های طرف غربی و شروط غیرقابل قبول آمریکا کاملاً به بن‌بست رسیده و عملاً توافقی در کار نخواهد بود.

پیش تر سخن‌گوی وزارت خارجه فرانسه گفته بود که اختلافات مهم در مسیر احیای توافق برجام هنوز پابرجاست. او روز چهارشنبه در بیانیه‌ای گفت: باید فوراً تصمیم‌های شجاعانه‌ای اتخاذ شود زیرا برای طرفین زمان باقی نمانده است.

در همین حال مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته که برای احیای برجام باید منتظر تشکیل دولت جدید در ایران ماند.

همین نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهند که سران و مقامات سیاسی و نظامی و قضایی جمهوری اسلامی چگونه بی‌شرمانه به مردم دروغ می‌گویند و هیچ شرم و حیایی هم ندارند!

یک گوشه دیگر از کارنامه روحانی و طرفدارانش را باز هم از زبان یک مادر داغ‌دیده بشنویم. خانم محبوبه رضائی مادر داغ‌دیده جان‌باخته «قهرمان پژمان قلی‌پور» در سخنان تکان‌دهنده‌ای خطاب به قاتلان پسرش و کسانی که سکوت کردند و بر این جنایت سرپوش گذاشتند با فریاد گفت:

«ما شما رو گنده کردیم. ما شما رو بردیم بالا. ولی روزی می‌شه که ما خودمون شما ها رو بکشیم پایین. ما خودمون شما رو بردیم بالا خودمون می‌کشیمتون پایین کاری نداره که این صفحه می‌چرخه و نوبت ما هم می‌شه.»
«کمک من کنید من دادخواهی کنم. کمک من کنید من انتقام بچه‌ام رو بگیرم. کمک من کنید من در مسیر دادخواهی بچه‌ام باشم. من به پژمان قول دادم تا ثانیه‌ای که نفس می‌کشم صداش باشم. صدای ما مادران باشید. صدای ما باشید. ما هیچی از شما ها نمی‌خواهیم. می‌گیم صدامون باشید. ما فقط صدا می‌خواهیم.»

مادر پژمان قلی‌پور در این فایل صوتی پرده از بسیاری جنایات صورت گرفته در حق جان‌باختگان آبان، از طرف حکام جمهوری اسلامی و همچنین از طرف سلبریتی‌ها برداشت.

این مادر داغ‌دیده گفت: «وقتی دنبال دوربین بالای سر بچه‌ام بودم و گفتم آقا این دوربین رو نشون من بدید که من متوجه بشم بچه من رو کی کشته بعد از یازده ماه یه نامه دروغین برای من آوردند و گفتند شهرداری گفته ۱۲۶م راس ساعتی که بچه من تیر خورده اون دوربین سوخته بوده!»

وی اضافه کرد: «دو روزه جایی که من می‌خواستم برای بچه‌ام مراسم بگیرم پرچم زدن به علت کرونا نمی‌شه مراسم گرفت. یعنی چی این‌ها؟ مگه تو نمی‌گی ما نکشتیم اشرار کشتن. پس چرا از گرفتن مراسم بچه‌های آبان پرهیز می‌کنید؟»

وی همچنین گفت: «چرا این همه هزینه می‌کنی یک دوربین را مستقیم می‌ذاری روی سنگ مزار بچه من که ببینی کی می‌آد و کی می‌ره؟ این قدر بدبختید که از سنگ مزار بچه من هم می‌ترسید؟ اون هزینه رو؛ بینوا! بیچاره! برو خرج اون‌هایی بکن که تا ناف توی سطل آشغال دولا شدن دنبال غذا می‌گردند.»

این مادر داغ‌دیده خطاب به سران حکومت گفت: «ما هر جا حرف زدیم ما رو خواستن و تهدید کردن، پیغام فرستادن می‌بریمت جایی که اصلاً نفهمن کجا بردنت. ببر! تو فکر می‌کنی فقط پژمان رو کشتید؟ شما یک خانواده رو نابود کردید. فکر می‌کنید نوید رو کشتید؟ خانواده نوید رو کشتید.»

مادر پژمان درباره بچه‌های آبان گفت: «(خطاب به پژمان) تو خوب بودی که رفتی. چون خوب ها رو زدند. چرا یک دونه دزد و قاچاقچی و یک معتاد چرا این‌ها را نزدند؟ توی بچه‌های آبان بگرد ببین یه دونه آدم عوضی پیدا می‌کنی؟ همه مثل دسته گل همه سالم، همه درس خونده. همه محبت. چرا اینا رو زدید؟ اینا خطر داشتن برای شما؟ جوون ۱۸ ساله من چه خطری می‌تونست داشته باشه؟ چه خطری داشت که با ۵ تا گلوله کشتیش؟ جوون ۱۸ ساله من چه قدر جون داشت که با ۵ تا گلوله کشتیش؟ یه دونه هم می‌زدین موفق بودین!»

مادر پژمان قلی‌پور سپس خطاب به طرفداران و وابستگان جمهوری اسلامی در خارج کشور نیز فریاد زد: «اون خانم احمقی که پریشب داشت مثلاً صحبت می‌کرد و اجازه حرف زدن بهت نمی‌داد، تویی که یقه جر می‌دی برای چی خارج از کشوری؟ چرا نمی‌آیی کنار ما زندگی کنی؟ تویی که موافقی با امثال این‌ها چرا نمی‌آی؟ چرا رفتی اون سر دنیا زیون ما شدی؟ تو غلط می‌کنی بجای ما حرف می‌زنی تو بی‌خود می‌کنی به جای ما حرف می‌زنی. اون احمقی که اون سر دنیا ... می‌ره توصیف رای می‌ایسته، تو غلط می‌کنی بجای ما تصمیم می‌گیری برای زندگی ماها. این‌قدر افراد خارج از کشور برای رای‌گیری شون دارن ما رو عذاب می‌دن خیلی معذرت می‌خوام توهین نباشه به آدمای شریف ایران گوسفندایی که این‌ور رای می‌دن ناراحت‌مون نمی‌کنند.»

وی در ادامه خطاب به سلبریتی‌ها گفت: «تیمی که خودمون موافقش بودیم (استقلال). تیمی که خودمون ازش دفاع کردیم و بزرگشون کردیم. کاری به هیچ تیم دیگری هم ندارم. تیم دیگه‌ای رو نمی‌خوام بگم روحش شاد باشه میناوند؛ بعد از این‌که سه روز اینترنت قطع شد اولین جمله‌ای که گفت بابا اغتشاش نکنید دیگه ما رو از کار و زندگی می‌ندازید!»

وی گفت: «آقای پرویز پرستویی از شوکه شدن یکی از بچه‌های فلان‌جا صحبت می‌کنه. فلسطین و غزه و کوفت و زهرمار! پرویز پرستویی یه سؤال؟ آبان کجا بودی؟ رفتم توی پستش براش کامنت گذاشتم گفتم شما آبان کجا بودید؟ شوکه شدن مادر و پدر بالا سر جنازه بچه‌هاشون رو ندیدید؟ خواهر برادرایی که توی بیمارستان دیدن خواهر و برادرشون یک جنازه‌اند ندیدید؟ هیچ مدل شوکه شدن رو ندیدید در ایران؟ الان دنبال شوکه شدن غزه و لبنانید؟» این مادر شجاع در پایان گفت: «نمی‌دونم فقط می‌تونم بگم تف به شرف‌تون. تف به غیرت نداشته تون. ولی نوبت ما هم می‌شه. نوبت ما هم می‌شه. ما شما رو گنده کردیم. ما شما رو بردیم بالا. ولی روزی می‌شه که ما خودمون شما ها رو بکشیم پایین. ما خودمون شما رو بردیم بالا خودمون می‌کشیمتون پایین. کاری نداره که این صفحه می‌چرخه و نوبت ما هم می‌شه.»

در جمع بندی می‌توانیم تاکید کنیم که نام «جمهوری اسلامی» در ۴۲ سال گذشته برای بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی تداعی‌کننده ترکیبی از انواع بحران‌ها و جنایات بوده است، به طوری که می‌توان حیات و بقای آن را به زندان و سرکوب و سانسور، اعدام و ترور گره زد.

حاکمیت دیگر توان ایجاد رعب و وحشت بیش‌تر را ندارد، نمود آشکار آن را می‌توان در همبستگی و رزمندگی آشکار ائتلاف مختلف جامعه در اعتراض‌های گسترده و خونین دی ماه ۱۹۹۶ و آبان ۱۹۹۸ و برآمدن بیش از ۲۰۰ شهر در گستره اعتراضات با ترکیب متنوع سیاسی و اجتماعی مشاهده کرد. بعد از این وقایع جامعه ما در زنجیره‌ای طولانی از اعتصاب‌های روزمره و اعتراض‌های صنفی و سیاسی و تلاش خستگی‌ناپذیر نیروی کار برای سازمان‌یابی و تشکیل‌یابی مخفی و نیمه‌مخفی و علنی است که ناشی از تعمیق تضادهای طبقاتی است.

تجربه بیش از چهار دهه حکمرانی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این حکومت اصلاح‌پذیر نیست و جناح به اصطلاح «اصلاح‌طلب» نیز سوپاپ اطمینان این حکومت محسوب می‌شود. در عین حال، اختلاف و تضاد بین هر دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب یک واقعیت است، واقعیتی برای تقسیم قدرت و ثروت جامعه و همچنان نشستن بر سر سفره خونین حاکمیت. اما هنگامی که این حکومت در معرض خطر فروپاشی قرار می‌گیرد اصلاح‌طلبان مانند اصول‌گرایان شمشیر خود را از روی می‌بندند تا گردن هر مخالفی را بزنند و نگذارند قدرت و ثروت‌شان از دست برود.

در شرایطی که جمهوری اسلامی - به اقرار کارگزاران بلندپایه آن- دچار بحران‌های کم‌سابقه‌ای است، به نظر می‌رسد در حال سنگربندی تدافعی در برابر جامعه انفجاری و خیزش عظیم مردمی است که در اعتراض‌های سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ نشان دادند که دیگر راه مبارزه خیابانی را به خوبی آموخته‌اند. در چنین روندی آن‌ها به خوبی دریافته‌اند که این حکومت تبهکار و مافیایی با تغییر مهره‌هایش اصلاح نمی‌شود بنابراین باید از کلیت این حکومت عبور کرد تا به یک جامعه نوین دست پیدا کرد!

چهارشنبه بیست و ششم خرداد [جوزا] ۱۴۰۰ - شانزدهم جون ۲۰۲۱